

دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، دانشگاه لرستان  
سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳ هـ ش / ۲۰۱۴ م

## مواجهه‌ی مفسران با ادات حصر در آیه‌ی «تطهیر»\*

محمدکاظم شاکر

استاد دانشگاه قم

فاطمه‌سادات موسوی

کارشناس ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه قم

چکیده

یکی از مباحث ادبی که در تفسیر درست برخی از آیات بسیار مهم می‌نماید؛  
بحث از ادات «حصر» است. چراکه اگر به وضع حقیقی و هدف اصلی قرار گرفتن  
این ادات در آیات توجه نشود، چه بسا تفسیر آیه و مراد خداوند از قرار دادن این  
ادات در آیات، مخفی بماند و مفسر در تفسیر به بیراهه رود و حقیقت بر مخاطبین  
پوشیده بماند. این نوشتار مروی است بر برخورد مفسران و صاحب‌نظران مشهور  
شیعه و سنّی با «إنما» در آیه تطهیر، با هدف روشن شدن تفسیر درست آیه مورد  
نظر و با در نظر گرفتن وضع و معنای حقیقی «إنما». این آیه در سوره احزاب و در  
ضمن آیه‌ای قرار دارد که خطاب صدر آن متوجه زنان پیامبر(ص) است و همین امر  
سبب شده برخی با القای شبیه، نزول آیه را در شأن پنج تن آل عبا انکار کند یا  
زنان پیامبر(ص) را نیز در زمره‌ی آنان قرار دهند. در بخش اول نظر مقاله دیدگاه و  
نظرات مفسران و صاحب‌نظران مشهور، در تفسیر این آیه مورد نظر بررسی شده  
است و در بخش دوم، به تحلیل و نقد آنها پرداخته‌ایم و در پایان با توجه به شواهد،  
دیدگاه صائب بیان شده است.

کلید واژه‌ها: ادات حصر، آل عباء، تطهیر، اهل بیت.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۲۹

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۱

پست الکترونیک نویسنده مسئول: mk\_shaker@yahoo.com

## مقدمه

آیه شریقه «... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا» از آیات محکم قرآن مجید است که علاوه بر روایات فراوان شیعه، به گواهی احادیث متعدد منقول از طریق اهل سنت، در شأن پنج تن آل عباء نازل شده است. این آیه در سوره احزاب قرار دارد به آیه «تطهیر» شهرت یافته است، این آیه از آیاتی است که مشتمل بر یکی از ادات «حصر» است و تفسیر آن مورد اختلاف نحله‌های کلامی در میان مسلمانان است. مفسران شیعی مصدق آن را آل عبا می‌دانند و عصمت اهل بیت را از این آیه نیز برداشت کرده‌اند؛ در حالی که مفسران سنّی مذهب چنین برداشتشی از این آیه ندارند. وجود واژه‌ی «انما» در این آیه سبب شده است که بحث ادبی مشترکی در این آیه سامان بگیرد.

پژوهش پیش‌رو، بر اساس بررسی هفده تفسیر شیعه و سنّی انجام شده است و پس از بررسی دیدگاه‌های مفسران و صاحب‌نظران مشهور در موضوع مورد نظر، تلاش شده است با پرهیز از تعصب، تفسیری درست، بر اساس قواعد زبان عربی در کنار روایات شأن نزول، از آیه‌ی مذکور ارائه شود.

## معناشناسی

«حصر» در لغت به معنای «تضییق و تنگ گرفتن، منع، حبس و عجز» آمده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۳۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۹۳؛ فیومی، بی‌تا: ۱۳۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۳۷۴) در اصطلاح بلاغت نیز به معنای اختصاص یک شیء به شیء دیگر به طریق مخصوص است.<sup>۲۶۱</sup> (تفتازانی، ۱۴۲۲: ۳۸۱) «حصر» بر حسب حال مخاطب سه قسم است: افراد، قلب، و تعیین. در حصر افراد، مخاطب، به شرکت فرد دیگری همراه با مقصود علیه اعتقاد دارد. متكلم حکم را با آوردن «حصر» در جمله،



به «مقصور علیه» اختصاص می‌دهد. در حصر قلب، مخاطب به عکس حکمی که به وسیله قصر ثابت می‌شود، اعتقاد دارد لذا متکلم با استفاده از «حصر»، اعتقاد او را تغییر می‌دهد. در حصر تعیین، مخاطب یا در حکم بین «مقصور علیه» و غیر آن مردد است، یا هر دو امر پیش او مساوی است. متکلم با آوردن «حصر»، آنچه را که معین نیست برای مخاطب تعیین می‌کند. (همان: ۳۸۳)

واژه «اهل» در منابع لغوی به معنای خانواده، ساکنان یک خانه، اعضا و پیروان یک دین، شایسته و سزاوار و این قبیل معانی آمده است. (فراهیدی، همان: ۸۹؛ ابن‌منظور، همان: ۲۸؛ راغب، همان: ۹۶)

«إنما» از «ادات حصر» و در فارسی معادل «فقط» یا «این است و جز این نیست» می‌باشد. در اکثر منابع بلاغی به چگونگی دلالت «إنما» بر «حصر» اشاره شده است. هر یک از آنها برای اثبات نظر خود دلایلی اقامه کرده‌اند. از جمله آن دلایل است:

- ۱- دیدگاه مفسران متقدم (مانند ابن عباس) در مورد آیه ۱۱۵ سوره نحل که «إنما» را در آن آیه، مفید «حصر» می‌دانند.
- ۲- نظر نحوی‌ها که به استناد مشافهه از عرب معتقد‌ند این واژه دربردارنده معنای «ما و إلّا» است و لفظی که بعد از آن می‌آید را اثبات و غیر آن را که ذکر نشده نفی می‌کند (در واقع إنما دو عمل انجام می‌دهد؛ اول، اثبات مذکور؛ دوم، نفی غیرمذکور)
- ۳- وجوب منفصل آمدن ضمیر همراه «إنما» بعد از آن، با اینکه می‌تواند متصل بیاید.

- ۴- آمدن «إنما» در بسیاری از آیات قرآن که معنای آنها فقط با «حصر» درست می‌شود نه غیر آن. (جرجانی، ۱۴۰۴: ۲۵۳؛ تفتازانی، ۱۴۲۲: ۳۹۶؛ همو، ۱۴۱۱: ۱۲۰؛ قروینی، ۱۴۲۰: ۲۲۹؛ دسوقی، بی‌تا: ۶۰۶؛ همو، بی‌تا: ۳۲۳؛ سیالکوتی، بی‌تا: ۳۳۴؛ اسفراینی، ۲۰۱۱)

۳۵۹: حلبی، بی‌تا: ۳۷۹؛ سیوطی، ۱۴۲۲: ۱۴۲) اما به نظر برخی، این واژه در اصل برای «حصر» وضع شده است و برای افاده «حصر» نیازی به دلیل ندارد. (رازی، ۱۹۸۹: ۲۶۰؛ طباطبایی، بی‌تا: ۲۱۳؛ اسفراینی، همان؛ سیوطی، همان: ۱۴۵؛ الصعیدی، ۱۴۲۱: ۱۱؛ حلبی، همان: ۳۸۰؛ الجرجانی، ۲۰۱۱: ۱۲۸؛ المغربی، ۲۰۰۲: ۴۳۱) از خصوصیات «إنما» این است که در خبری به کار می‌رود که مخاطب نسبت به خبر نه جا هل است و نه آن را انکار می‌کند، یا در خبری می‌آید که مخاطب به آن جا هل اما منکر آن نیست یا اگر منکر است، انکارش با کمی توضیح برطرف می‌شود. (جرجانی، همان؛ تفتازاتی، همان؛ دسوقی، همان؛ سیالکوتی، همان؛ قزوینی، همان؛ سید باقر الحسینی، ۱۳۸۸: ۱۶۸؛ فضل حسن عباس، ۱۴۰۵: ۳۸۸؛ سیوطی، ۱۴۰۸: ۱۳۸) پس واژه «إنما» در آیه مورد نظر برای اثبات خبری آمده است که مورد انکار و مجھول نبوده، یا اینکه اگر مقداری جهل و انکار در کار بوده است، به واسطه این واژه و مورد نزول برطرف شده است.

### پیشینه بحث

در مقالات و کتب بسیاری از جمله مقاله «استقلال نزول آیه تطهیر و تأثیر آن در ظهور و فهم معنای آیه»، نگاهی نو به آیه تطهیر، «تفسیر تطبیقی آیه تطهیر از دیدگاه مذهب اهل بیت و اهل سنت»، «اهل بیت در آیه تطهیر کیانند؟» و «نگرشی نو به آیه تطهیر»، در مورد مصاديق آیه تطهیر بحث و بررسی صورت گرفته است که در مورد واژه «إنما» و افاده حصر آن مباحثی ارئه داده‌اند؛ ولی این مباحث به شکل اشاره‌ای گذرا است و به سوال‌های این تحقیق پاسخی درخور نمی‌دهد. در کتاب‌های تفسیری نیز به طور پراکنده مباحثی انجام شده است؛ اما در اکثر موارد با مباحث کلامی آمیخته شده و به راحتی برای همه افراد قابل درک نیست.



## سؤالات تحقیق

در این مقاله سعی شده معنای درست «إنما» در آیه «تطهیر» بر اساس قواعد ادبی و نحوی و با تکیه بر روایات شأن نزول بازشناسی شود. این مهم در گرو بررسی سوالات زیر است:

- الف) وضع حقیقی و معنای اصلی «إنما» چیست؟
- ب) غرض اصلی متکلم از به کار بردن «إنما» در آیه «تطهیر» چیست؟
- ج) آیا رابطه‌ای بین اجزاء جملات وارد شده در آیه مورد نظر با «إنما» وجود دارد؟
- د) منشأ اصلی اشتباه در تفاسیر ارائه شده از این آیه چیست؟

### دیدگاه‌های اصلی مفسران در آیه تطهیر

بررسی تفاسیر نشان می‌دهد که دیدگاه‌های مشهور در این آیه به سه دسته کلی قابل تقسیم است:

دیدگاه اول نظر کسانی است که به «حصر» حاصله از کلمه «إنما» اشاره کرده‌اند ولی اجزاء این آیه را بر طبق آن تفسیر نکرده‌اند.  
دیدگاه دوم از آن کسانی است که به «حصر» مستفاد از «إنما» اشاره‌ای نکرده‌اند و در مورد اجزاء آیه با افراد مذکور هم نظر ندارند.

دیدگاه سوم آن است که «إنما» در آیه مورد بحث در معنای حقیقی و برای «حصر» است. این دسته از مفسران، آیه را با توجه به معنای اصلی و وضع حقیقی «إنما» و روایات شأن نزول، تفسیر کرده‌اند. این دیدگاه متعلق به اکثر مفسران شیعه است.

## ۱- دیدگاه مفسران اهل سنت

ابو جعفر محمد بن جریر طبری (م/۳۱۰ق) از جمله افرادی است که به «إنما» در آیه مورد بحث هیچ اشاره‌ای ندارد. وی روایات فراوانی را در شأن نزول این آیه بیان کرده است، ولی در مورد ارتباط این کلمه با اجزاء آیه، متنذکر هیچ مطلبی نشده است. (رک: طبری، ۱۴۱۲: ۵-۷)

جار الله محمود زمخشri (م/۵۳۸ق) از آن دسته مفسرانی است که علی‌رغم اشاره‌های متعدد در آیات مشابه، هیچ اشاره‌ای به اختصاص حاصل از «إنما»، در آیه تطهیر نکرده و سریع از تفسیر آیه عبور کرده است. (رک: زمخشri، ۱۴۰۷: ۵۳۸) به عنوان نمونه، وی در ذیل آیه ۱۱ سوره بقره «وَإِذَا قَيْلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ»، در مورد «إنما» می‌گوید: «إنما برای قصر حکم بر شیء است؛ مثل: إنما ينطق زيد، يا برای قصر شیء بر حکم است؛ مثل: إنما زيد کاتب». (همان: ۶۲) وی به مصدق اهل بیت به طور مستقیم اشاره نکرده و گفته است: «اين آيه دلالت بر ورود همسران پیامبر در «أهل بيت» دارد». (همان: ۵۳۸)

عبدالحق بن غالب ابن عطیة اندلسی (م/۵۴۱ق) در تفسیر آیه «تطهیر»، به «حصر» حاصله از «إنما» هیچ اشاره‌ای نکرده و نظر قطعی خود در مصدق «أهل بیت» را نیز بیان نکرده است. وی فقط به ذکر اقوال در این باره بسنده کرده است. (رک: همو، ۱۴۲۲: ۳۸۴) وی در موارد متعدد مشابه به شرح «حصر» حاصله از «إنما» پرداخته است؛ مثلاً در ذیل آیه ۲ انفال «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجَلَتْ قُلُوبُهُمْ وَ...» نوشته است: «إنما لفظی است که از مبالغه و تأکید جدا نمی‌شود و در این حال برای حصر صلاحیت دارد». (همان: ۵۰۰)

ابو عبدالله محمد بن عمر فخرالدین رازی (ت/۵۴۶ق) علاوه بر اینکه ضمن تفسیر، سخنی از ورود «إنما» در این آیه به میان نیاورده، از هیچ کدام استدلال‌ها و



سؤال و جواب‌های معروف او نیز خبری نیست. علی‌رغم این که او در تفسیر آیات دیگر از جمله آیه «ولایت» سخن را به داراز کشیده است، برای رد قول شیعه و انکار افاده حصر إنّما، در تفسیر این آیه، عجولانه از آن عبور و اصلاً به قول شیعه یا اقوال مختلف در معنا و جایگاه «ادات حصر» و مصدق «أهل بيت» اشاره نکرده است. (رك: رازی، ۱۴۲۳: ۱۶۸) او در تفسیر آیات بسیاری که دربردارنده «إنّما» هستند، به «حصر» حاصله از آن اذعان دارد؛ مثل آیه ۲۸ و ۶۰ سوره توبه و ۱۱۰ سوره کهف. وی در تفسیر آیه ۶۰ توبه در مورد «حصر» حاصله از «إنّما» گفته است: لفظ «إنّما» به چند دلیل مفید «حصر» است: اول اینکه این کلمه از «إنّ» و «ما» تشکیل شده است. «إنّ» برای اثبات و «ما» برای نفی است. وقتی این دو با هم جمع شوند، مذکور را ثابت و غیر آن را نفی می‌کنند. دوم [إنّما در] شعر اعشی است:

ولست بالأكثر منهم حصى وإنّما العزة للكثاثر<sup>۳</sup>

سوم [إنّما در] قول فرزدق است:

أنا الذي أشد الحامي الذمار وإنّما يدافع عن أحبابهم أنا أو مني<sup>۴</sup>

(همان: ۸۱)

لازم به ذکر است که وی در کتاب نهایه‌الایجاز اثر بلاغی خود، در مورد «إنّما» می‌نویسد: «إنّما در اصل برای دلالت بر تخصیص حکم به آن چه که مذکور است، وضع شده است». (همو، ۱۹۸۹: ۲۶۰) چه چیز ممکن است دلیل عبور همراه با عجله رازی از آیه «تطهیر» باشد؟! در حالی که عمل او در مورد آیات دیگر کاملاً بر عکس است و همین موضوع سبب تعجب است! آیا چیزی غیر از تعصب علت این امر و عمل دوگانه این مفسر است؟!

محمد بن احمد قرطبی(م/۶۷۱ ق) نیز در مورد «حصر» حاصله از «إنما»<sup>۴</sup> موجود در آیه مورد بحث سکوت کرده است. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۸۲) این در حالی است که در مورد آیات دیگر که شامل «إنما» هستند این گونه عمل نکرده است.<sup>۵</sup> وی معتقد است جملات «اذکرن» و «بيوتكن» در آیه‌ی بعد، دلالت می‌کند بر اینکه همسران پیامبر «أهل بيت» هستند؛ مانند آیه ۷۳ سوره هود: «أَتَعْجِبُنَّ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ». (همان: ۱۸۳)

عبدالله بن عمر بیضاوی(م/۶۸۵ ق) نیز از جمله افرادی است که علی‌رغم اینکه در موارد مشابه<sup>۶</sup> متذکر «حصر» حاصله از «إنما» شده است، (رک: بیضاوی، ۱۴۱۸: ۶۲) در این آیه به ورود «إنما» هیچ اشاره‌ای نکرده است و تخصیص «أهل بيت» به فاطمه و علی(ع) و پسران آن دو توسط شیعه را به خاطر ورود حدیثی می‌داند که از عایشه روایت شده است.

محمد بن یوسف بن علی بن حیان اندلسی(م/۷۱۰ ق) نیز علی‌رغم اشاره‌های متعدد به افاده یا عدم افاده «حصر» توسط «إنما»، در آیات دیگر<sup>۷</sup> به این مطلب در آیه مذکور هیچ اشاره‌ای نکرده است. (رک. همان: ۴۷۹)

نظام‌الدین نیشابوری(م/۷۲۸ ق) یکی دیگر از مفسرانی است که علی‌رغم اشاره‌های متعدد به افاده «حصر» توسط «إنما»<sup>۸</sup> و توجه به نکات ادبی، در این آیه «إنما» را نادیده گرفته است و پس از ذکر روایات واردہ در شأن نزول این آیه، (رک: همان: ۴۶۰) نوشت: «در آیه مباھله گفتیم که «أهل بيت»، به اتفاق علماء، پیامبر(ص) و فاطمه و حسن و حسین هستند و صحیح است که علی به خاطر معاشرتش با دختر پیامبر و ملازم بودنش با پیامبر از آنها باشد. ورود آیه در شأن همسران پیامبر احتمال دخول آنها در «أهل بيت» را افزایش می‌دهد». (همان)



اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (م/ ۷۷۴ق) از مفسران معروف اهل سنت نیز به «حصر» حاصله از «إنما» توجهی نکرده و تلاش کرده است تا در صحّت روایات فراوانی که از طرق مختلف در شأن نزول آیه بیان کرده، تشکیک وارد کند. (رك: ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۶۵-۳۷۰)

شایسته ذکر است روایات وارد شده در شأن نزول این آیه اگر متواتر نباشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۱۱؛ جویباری، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۵۲۷) آن قدر زیاد است که نتوان از آنها صرف نظر کرد. اگر قرار باشد این همه روایت را نادیده گرفت، تکلیف آیاتی که به کمک روایات واحد تفسیر می‌شوند چه می‌شود؟ آیا می‌توان به همین راحتی فقط به صرف این که روایتی مخالف با عقیده ما است در صحّت آن خدشه وارد کنیم؟

سید محمود الوسی (م/ ۱۲۷۰ق) متذکر «حصر» حاصله از «إنما» در این آیه نشده و سخن شیعه را در مورد افاده «حصر» توسط آن و عصمت اهل بیت(ع) که بر اساس «حصر» مستفاد از «إنما» است، بدون دلیل منطقی رد کرده است. وی پس از نقل اقوال در مصدق «أهل بیت»، گفته است: «همسران پیامبر به نص قرآن داخل در «أهل بیت» اند و آل عبا به جعل پیامبر داخل آن هستند همان گونه که سلمان را که هیچ قرابتی با او نداشت، داخل در «أهل بیت» کرد». (الوسی، ۱۴۱۵: ۱۹۶) او پس از ذکر احادیث وارد شده از پیامبر(ص) درباره مصدق آیه، آنها را دلیل بر حصر «آل عبا» در «أهل بیت» نمی‌داند. سپس در ادمه می‌گوید: «اگر مراد از «اراده»، اهل کسا بودند چه نیازی به دعا از جانب پیامبر بود [که بگوید: اللهم هؤلاء اهل بیتی فأذهب عنهم الرجس و طهّرْهُمْ تطهیرا]. آنچه که برای من روشن است این است که مراد از «أهل بیت» کسی است که با پیامبر بیشترین ارتباط و نسبتی نزدیک و قوی با او دارد به طوری که عرفاً اجتماع و سکونت آنها با او در یک خانه قبیح

نباشد. پس همسران او و چهار تن اهل کسا و علی(ع) به خاطر قرابتش با پیامبر و رشد یافتن در دامان او و دامادی او داخل در «أهل بيت» هستند. (همان: ۱۹۹)

بله اگر در مراد آیه از «أهل بيت» سؤالی نبود، هیچ نیازی به عمل و دعای پیامبر نبود. عمل پیامبر(ص) نشان می‌دهد که یا در همان ابتدای نزول آیه، شبهه وجود داشته و پیامبر می‌خواسته با عمل خود شبهه را برطرف کند، یا می‌دانسته بعدها شبهه ایجاد خواهد کرد و خواسته قبلًا از آن جلوگیری کند. سخن پیامبر(ص) در مورد سلمان نیز به این معنا نبود که بخواهد بگوید او نیز داخل در «أهل بيت» است؛ بلکه همان طور که در عرف ما نیز وجود دارد که اگر بخواهیم بگوییم فلانی می‌تواند از راز ما با خبر باشد می‌گوییم او از خودمان است، می‌خواسته سلمان را محرم اسرار «أهل بيت» و به عبارتی او را «صاحب سرّ» این خاندان معرفی کند. به علاوه دعای پیامبر(ص) با جمله اسمیه آغاز می‌شود. در ادبیات عرب یکی از مواردی که در کلام دلالت بر حصر و تأکید می‌کند، جمله اسمیه است. (ر.ک. سیوطی، ۱۴۰۸: ۱۷۲؛ و همو ۱۴۰۸: ۱۴۱) پس علاوه بر آیه که دارای «حصر» است، روایت واردہ از پیامبر(ص) نیز دارای «حصر» است.

محمد بن طاهر بن عاشور (ت/۱۲۹۶ق) در تفسیر آیه «تطهیر» در ابتدا «إنما» را به «إن» و «ما» تفکیک می‌کند و می‌گوید: «اين جمله [إنما يريده الله...] علت از امر و نهي الهي در اين آيات است. «إنما» در موضع ربط مابعد به ماقبل خود است، چون «إن» جزئی از آن است که به گفته عبدالقاهر از «فاء» سبب، بی‌نیاز می‌کند. قصر در این آیه، قصر قلب است و آمدن فعل مضارع برای اراده دلالت بر تجدد و استمرار اراده دارد. وقتی خداوند چیزی را اراده کند هیچ چیزی اراده او را نمی‌تواند برگرداند مانند آیه ۶ سوره مائدہ «ما يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ وَ لَكُمْ يُرِيدُ لِيُطْهِرَكُم». این جهت آمدن صیغه قصر توسط «إنما» است. شیعه

وصف «أهل بيت» را غصب کرده و آن را در فاطمه و علی و پسرانشان محصور کردند. این امر مقابله با قرآن است؛ چون این آیه را در بین آیات قبل و بعد که خطاب به همسران پیامبر است، حشو و بیهوده قرار می‌دهند؛ در حالی که در حدیث کسا لفظی که دلالت بر «حصر» این وصف بر آنها کند وجود ندارد؛ چون در جمله «هؤلَاءِ أَهْلُ بَيْتٍ» صیغه قصر نیست و این مانند آیه ۶۸ سوره حجر است که می‌فرماید: «إِنَّ هُؤُلَاءِ ضَيْفِي». معنای آیه این نیست که من غیر اینها مهمانی ندارم. برخی از احادیث نیز دلالت دارند که این آیه قبل از عمل پیامبر(ص) نازل شده است و اگر به ام سلمه اجازه ورود به کسا را نداد، به این دلیل بود که او درخواست امر حاصل کرد؛ در حالی که نیازی به الحاق به آنها نداشت». (ابن عاشور، بی‌تا: ۲۴۶-۲۴۸) این که گفت فعل مضارع «بِرِيد» دلالت بر تجدد استمرار دارد، درست است، ولی آیا در مورد همه همسران پیامبر(ص) اراده بر بردن رجس و پاکی تجدد و استمرار دارد؟ روشن است که چنین چیزی صحیح نیست و عمل برخی از همسران پیامبر(ص) این مطلب را ثابت می‌کند و توبیخ آنها در برخی از آیات قرآن نیز مؤید این مطلب است.

اما این که «حصر» آیه در خمسه آل عبا مقابله با نص قرآن است، باید گفت خود پیامبر(ص) به «حصر» آیه در اصحاب کسae تصریح دارد. اگر این کار پیامبر(ص) مخالفت و مقابله با نص قرآن باشد، او اولین کسی است که با نص قرآن مخالفت کرده است. (عاملی، ۱۴۱۳: ۵۷)

در مورد اسمیه بودن کلام پیامبر(ص) نیز قبلًا اشاره شد که جمله اسمیه دلیل بر «حصر» است و آیه ۶۸ حجر که از قول لوط(ع) است نیز از جهتی بر «حصر» دلالت دارد؛ با این توضیح که آن حضرت با آوردن «إِنَّ» در ابتدای کلام، با تأکید گفتار خود، مهمان‌ها را منسوب به خود می‌کند؛ یعنی در واقع به این وسیله مقام

نبوت خود را به مردم گوشزد کرده و به آنها یادآوری می‌کند که من پیامبر خدا هستم و اینها مهمان‌های پیامبر خدا هستند.

به علاوه طبق اکثر روایات وارد شده در شأن نزول این آیه، ما نیز معتقد‌یم این آیه قبل از عمل پیامبر(ص) در مورد «اهل کسا» نازل شده است و پیامبر(ص) برای اینکه معنای واقعی این قسمت از آیه را مشخص و بر نص قرآن در مورد آن تأکید کند، عمل کسا را انجام دادند.

## ۲- دیدگاه مفسران شیعه

محمد بن محمد مفید(م/۴۱۲ ق) مستقیماً به ورود «إنما» در این آیه اشاره نکرده؛ ولی در ضمن تفسیر به اختصاص موجود در آن اشاره کرده است. ایشان معتقد است خداوند در آیه تطهیر اراده خود در بردن رجس را به اصحاب کسا اختصاص داده است و اگر اذهاب رجس صورت بگیرد و دلالت بر عصمت نکند، اراده الهی در پاک کردن آنها معنا نخواهد داشت. (مفید، ۱۴۲۴: ۴۱۲)

محمد بن حسن طوسی(م/۴۶۰ ق) در برخورد با «إنما»ی وارده در آیه تطهیر نیز به «اختصاص» حاصله از «إنما» اشاره و آن را به «ليس» و «إلا» که در واقع یکی از معانی «إنما» می‌باشد، معنا کرده است. وی طبق روایات وارد شده، مصدقان «اهل بیت» را اصحاب کسا معرفی کرده است. (طوسی، بیت: ۳۳)

فضل بن حسن طبرسی(م/۵۴۸ ق) نیز «إنما» در این آیه را برای اختصاص می‌داند. وی در ذیل آیه می‌گوید: «إنما، ما بعد خود را اثبات و غير آن را نفي می‌کند. این کلمه حکم را به ما بعد خود اختصاص می‌دهد و از غیر آن سلب می‌کند. مثل: «إنما لك عندي درهم» (تو پیش من فقط یک درهم داری نه بیشتر) و «إنما في الدار زيد» (فقط زید در خانه است). (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۵۹) وی پس از بیان

روایات وارد شده در مورد آیه، مصدق «اَهْلُ بَيْتٍ» را اصحاب کسا دانسته است. در واقع وی با در کنار هم قرار دادن «إِنَّمَا» و روایات شأن نزول به این نتیجه‌گیری رسیده است. (همان: ۵۶۰)

علی بن حسین عاملی (م/ ۱۱۲۵ق) در برخورد با «إِنَّمَا» در آیه تطهیر به «حَصْرٍ» حاصله از «إِنَّمَا» اشاره کرده و با توجه به روایات متواتر و مستفیض در مورد آیه، مصدق «اَهْلُ بَيْتٍ» را «آل عبَّا» دانسته و گفته است: «بِرْدَنْ رِجْسْ وَ تَطْهِيرْ آنَهَا اَزْ فَعْلِ خَدَّا مَتَعَالْ اَسْتَ. اوْ اَرَادَه فَرْمُودَه وَ آنَ رَاهَ بِهِ وَسِيلَه «حَصْرٍ» وَ لَامْ» تأکید کرده، پس [اراده‌اش] باید واقع شود». (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۶۱۵ و ۱۶۰۱)

سیدمحمدحسین طباطبائی (م/ ۱۳۶۰ش) در تفسیر آیه تطهیر «إِنَّمَا» را مفید «حَصْرٍ» دانسته و گفته است: «کلمه «إِنَّمَا» در آیه انحصار خواست خدا را می‌رساند، و می‌فهماند که خدا خواسته رجس و پلیدی را تنها از اهل بیت دور کند، و به آنان عصمت دهد. کلمه «أَهْلُ الْبَيْتِ» چه صرفاً برای اختصاص باشد تا غیر از اهل خانه داخل در حکم نشوند و چه نوعی مدح باشد، و چه نداء و به معنای «ای اهل بیت» بوده باشد، دلالت دارد بر اینکه دور کردن رجس و پلیدی از آنان، و تطهیرشان، مسئله‌ای مختص به آنها و کسانی که مخاطب در «عَنْكُمْ» هستند، می‌باشد. بنابراین، در آیه شریقه در حقیقت دو قصر و انحصار به کار رفته است، یکی انحصار اراده و خواست خدا در بردن و دور کردن پلیدی و تطهیر اهل بیت، دوم انحصار این عصمت و دوری از پلیدی در اهل بیت و به دلیل ضمیر «عَنْكُمْ» در این قسمت آیه، مراد از «اَهْلُ بَيْتٍ» همسران پیامبر (ص) نیستند». (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۰۹-۳۱۰) وی برخلاف این عاشر معتقد است این آیه مانند آیه ۶ مائده نیست چون اگر این گونه باشد، مراد از بردن رجس و تطهیر اهل بیت تنها همان تقوای دینی، و اجتناب از نواهی، و امتناع از امر است و معنای آیه این است که خدای تعالی از این

تکالیف دینی که متوجه شما کرده سودی نمی‌برد، و نمی‌خواهد سود ببرد، بلکه می‌خواهد شما را پاک کند، و پلیدی را از شما دور سازد. اگر معنا این باشد، با اختصاص آیه به اهل بیت منافات دارد، زیرا خدا این گونه تطهیر را برای عموم مسلمانان و مکلفین به احکام دین می‌خواهد، نه برای خصوص اهل بیت، در حالی که آیه شریفه دو انحصار را می‌رساند که انحصار دوم، انحصار تطهیر در اهل بیت است. ایشان معتقد است نزول این قسمت از آیه جدای از ماقبل و مابعد آن است و به دستور پیامبر(ص) در این آیه قرار داده شده است به گونه‌ای که اگر حذف شود هیچ خللی به آیه و سیاق آن وارد نمی‌کند. علاوه بر این، دلیل محکمی بر متصل بودن این قسمت از آیه با قبل و بعد آن در روایات وجود ندارد. (همان: ۳۱۰ و ۳۱۱) وی در ادامه در مورد روایات وارد شده در شأن نزول آیه می‌گوید: «در روایات آمده است، آیه شریفه در شأن رسول خدا(ص) و علی و فاطمه و حسن و حسین(ع) نازل شده است و احدی در این فضیلت با آنان شریک نیست. این روایات بسیار زیاد، و بیش از هفتاد حدیث است، که بیشتر آنها از طرق اهل سنت است، و تقریباً از چهل طریق آنها را نقل کرده‌اند. شیعه نیز آنها را از بیش از سی طریق نقل کرده‌اند». (همان: ۳۱۱)

ممکن است کسی بگوید مذکر آمدن ضمیر بر اساس قاعده تغییب است. باید گفت: با توجه به بخش ابتدایی آیه که فقط همسران پیامبر(ص) مورد خطاب هستند و مردی در خطاب با آنها شریک نیست، قاعده تغییب در مورد همسران نیست؛ بلکه متناسب با پنج تن است.

ناصرمکارم شیرازی(ت/۱۳۴۵ق) نیز در تفسیر نمونه در مواجهه با آیه تطهیر می‌گوید: «تعبیر به «إنما» که معمولاً برای حصر است، دلیل بر این است که موهبت عصمت ویژه خاندان پیامبر(ص) است. جمله «يريد» نیز اشاره به اراده تکوینی

پروردگار است، و گرنه اراده تشریعی، و به تعبیر دیگر لزوم پاک نگاهداشت خویش، انحصاری به خاندان پیامبر ندارد، و همه مردم بدون استثناء به حکم شرع موظفند از هر گونه گناه و پلیدی پاک باشند. تعبیر «أهل البيت» به اتفاق همه علمای اسلام و مفسران، اشاره به اهل بیت پیامبر(ص) است. این چیزی است که از ظاهر خود آیه نیز فهمیده می‌شود، چرا که «بیت» گرچه به صورت مطلق در اینجا ذکر شده است، اما به قرینه آیات قبل و بعد، منظور از آن، بیت و خانه پیامبر(ص) است. با وجود نصوص فراوان که قرینه روشی بر تفسیر مفهوم [این قسمت از] آیه است، مخاطب در [عنکم] منحصراً پنج نفرند: پیامبر، علی، فاطمه، حسن، و حسین(ع). تنها سؤالی که در اینجا باقی می‌ماند این است که چگونه در لابلای بحث از وظایف زنان پیامبر مطلبی گفته شده است که شامل زنان پیامبر نمی‌شود؟ [طبق آنچه] مرحوم «طبرسی» می‌گوید، این اولین بار نیست که در قرآن به آیاتی برخورد می‌کنیم که در کنار هم قرار دارند، اما از موضوعات مختلفی سخن می‌گویند. قرآن از این گونه بحث‌ها پر است، همچنین در کلام فصیحان عرب و اشعار آنان نیز نمونه‌های فراوانی برای این موضوع موجود است». (مکارم، ۱۳۷۴: ۲۹۲-۲۹۴) ایشان در ادامه نظر علامه طباطبائی در مورد نزول این قسمت از آیه به طور منفصل از آیات قبل و بعد را بیان کرده و این قول را پذیرفته است. (همان: ۲۹۵)

دیدگاه منطقی در مورد آیه، همان دیدگاه شیعه می‌باشد. این دیدگاه با تأکید بر معنای اصلی «إنما» و ارائه استدلال‌های پذیرفتی و منطقی در افاده «حصر» آن و روایات وارد شده در شأن نزول، تفسیر مورد قبولی از این دو آیه ارائه داده است.

در ادامه به بررسی دلایل پذیرش این دیدگاه می‌پردازیم:

۱- واژه «إنما»: بنابر آنچه از کتب علوم بلاغت به دست آمد، کلمه «إنما»

همیشه مفید «حصر» است و در اصل برای این معنا وضع شده است. هیچ یک از

علمای بلاغت بر این عقیده نیست که این واژه گاهی برای «حصر» است و گاهی برای «حصار» نیست.

همان گونه که قبلاً گفته شد، «حصر» در اصطلاح بلاغت اختصاص یک شئ به شئ دیگر به طریق مخصوص می‌باشد. پس لفظ «إنما» در این آیه برای اختصاص اراده الهی به اذهاب رجس و تطهیر «أهل بيت» آمده است.

مالحظه شد که در برخی منابع، برای نشان دادن افاده «حصر» توسط «إنما»، از اشعار جاهلی و صدر اسلام به عنوان شاهد استفاده شده است. این مطلب نشان می‌دهد که «إنما» از ابتدای وضع در معنای حقيقی «حصر» بوده است و اگر بخواهد معنایی غیر از این را برساند، احتیاج به قرینه دارد. اگر کسی هم بخواهد معنایی غیر از معنای حقيقی را برای آن اثبات کند، باید دلیل مورد قبول در علم ادبیات بیاورد.

**۲- مصدق «أهل بيت»:** این عبارت سه بار در قرآن به کار رفته است که هر سه مورد خصوص خاندان نبوت است. (هود/۷۳، قصص/۱۲، احزاب/۳۳) در یک کاربرد «بیت» به صورت نکره و در دو مورد با «آل» تعریف آمده است. برخی مفسران اهل سنت برای اینکه همسران پیامبر را داخل در «أهل بیت» معرفی کنند به آیه ۷۳ هود استدلال کرده و می‌گویند چون در آیه ۷۳ سوره هود حضرت ابراهیم به همراه همسرش ساره مورد خطاب است، ضمیر در آن مذکور آمده است. پس در این آیه نیز منظور پیامبر و همسران او هستند. (آل‌وسی، همان: ۱۹۴؛ ابن‌عاشر، همان: ۲۴۶) جعفر مرتضی عاملی می‌نویسد: «دخول ساره در اهل بیت شاید از این جهت باشد که او دختر عمومی ابراهیم(ع) بود، لذا از جهت نسبی داخل در اهل بیت است نه از جهت اینکه همسر او بود، اما در این مورد دلیل قطعی وجود ندارد». (عاملی، ۱۴۱۳: ۹۸) در حالی که اگر خوب توجه کنیم، می‌بینیم که در اینجا ساره و حضرت ابراهیم هر دو مورد خطاب فرستادگان خدا هستند که به آنها گفتند: این موارد در «خاندان



نبوت» بعید نیست. اما در آیه مورد بحث اصلاً پیامبر(ص) مورد خطاب نیست تا ضمایر بنا بر غلبه مذکور بیایند. پس این آیه با مورد حضرت ابراهیم متفاوت است. در هر دو آیه منظور از «اهل بیت» خاندان نبوت است و «آل» در «البیت» عوض از مضاف محذوف است؛ یعنی «اهل بیت النبوة».

از دیگر شواهد آنها آیه ۱۰ سوره طه<sup>۱۱</sup> (طنطاوی، بی‌تا: ۲۰۹) و ۲۹ سوره قصص<sup>۱۲</sup> (آل‌وسی، همان) می‌باشد که حضرت موسی به خانواده‌اش گفت اینجا بمانید تا من برای شما آتشی فراهم کنم. در حالی که مورد خطاب حضرت موسی خانواده‌اش اعم از زن و مرد بود. در این آیه لفظ «بیت» به «اهل» اضافه نشده است و این خود دلیل بر این است که در آن دو مورد که «بیت» به آن اضافه شده است، منظور «خاندان نبوت» است نه خانواده آن پیامبر؛ چه این که در بسیاری از تعبیر قرآنی به خانواده «اهل» گفته شده است، مثل آیه ۶ سوره تحریم که می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آَمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيْكُمْ نَارًا وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...».<sup>۱۳</sup>

۳- روایات شأن نزول؛ با استفاده از روایات متواتر و فراوانی که از پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) به دست ما رسیده است، معلوم می‌شود که «اهل بیت» در آیه فقط پنج تن «آل‌عبا» و به تبع آنها «ائمه اثنی عشر» می‌باشند.<sup>۱۴</sup>

۴- سیاق آیات قبل و بعد: اگر در سیاق آیه کمی دقت کنیم می‌بینیم خداوند از آیه ۲۸ و ۲۹ سوره احزاب، خطاب خود نسبت به همسران پیامبر را شروع می‌کند، اما با واسطه پیامبر(ص). در آیات بعد، آنها را بدون واسطه با لحنی عتاب‌آمیز مورد خطاب قرار داده است. در بین آیه ۳۳ ناگهان خطاب را از مؤنث به مذکر تغییر می‌دهد و دوباره در آیه بعد به خطاب مؤنث بازمی‌گردد. این موضوع نشان از چیست؟ حتی در آیات ۲۸ و ۲۹ که به واسطه پیامبر، همسران او را مورد خطاب قرار می‌دهد، خطاب اصلی به خود پیامبر(ص) نیست، چه رسد به کسانی که

اصلًا نامی از آنها در آیه نیست. علاوه بر این، این بخش از آیه در مورد اراده الهی در بردن گناهان از آنها و تطهیر از گناهان است، چگونه ممکن است کسانی که از خدا و رسول(ص) در اموری اطاعت نکرده و با کارهای ناشایست آنها را آزرده‌اند، این گونه مورد تعظیم قرار گیرند؟ از این آیات و آیات ابتدایی سوره تحریم معلوم می‌شود برخی از همسران پیامبر(ص) اعمالی انجام داده بودند که سبب نارضایتی خدا و رسول او شده بود. تا زمانی که کسی خطایی انجام نداده باشد، مورد عتاب قرار نمی‌گیرد. آیا عقل می‌پذیرد این افراد با این خصوصیات معصوم از گناه باشند؟ شکی نیست که معصوم از گناه باید از تولد تا مرگ از گناهان به دور باشد نه اینکه از دستورات خدا و رسول(ص) سرپیچی کند و مرتکب گناه شود، بعد خداوند بگوید اراده من به این تعلق گرفته که رجس را از شما دور کنم و شما را پاک گردم! علاوه بر این، خداوند متعال در آیات پیشین، همسران پیامبر را مورد عتاب و توبیخ قرار داده است؛ در حالی که آیه‌ی مورد بحث دربردارنده تعظیم مقام «اهل بیت» است. حال اگر آنان مصدق «اهل بیت» بودند باید در ابتدا مورد عتاب واقع می‌شدند؛ چرا که از متكلم حکیم بعید است کسی را مورد عتاب قرار دهد، بعد او را تعظیم کند و دوباره به عتاب او بازگردد. شاید کسی بگوید مراد، آن عده از همسران پیامبر(ص) هستند که مؤمن بودند. در این صورت باید خداوند می‌فرمود: «لیذهب الرجس عن بعضكم أهل البيت». خداوند متعال این جمله را با «إنما» آغاز کرد تا توهم شرکت همسران پیامبر در «اهل بیت» را از بین ببرد. چرا که اگر «إنما» در آیه نبود، توهم شرکت وجود داشت.

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که در آنها فعل «یرید» به کار رفته و از نظر اجزاء شبیه این آیه هستند، اما چون نیازی به «حصر» نبوده، در آیات ادات حصر به کار نرفته است، ولی در جایی که مقصود خداوند «حصر» یک حکم بر افرادی بوده،



از این ادات استفاده شده است. مثل آیه ۷ سوره انفال «... وَ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ». در این آیه فعل «یرید» با همان شرایط ولی بدون «حصر» آمده است؛ چون احتمال شرکت یا اشتباه در مصدق وجود ندارد؛ یعنی همه می‌دانستند که در صورت رویارویی با دشمن اگر به خدا توکل کنند و او یاریشان کند، پیروزی حتمی است. نیز آیه ۹۱ سوره مائدہ که در آن می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ وَ يَصُدُّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَتُّهُمْ مُنْتَهُونَ». این آیه بعد از آیه‌ای آمده که در منوعیت خمر و میسر و انصاب نازل شده است. خداوند این آیه را با «حصر» آغاز کرده است تا به مخاطبانی که دست از این اعمال برآمدی دارند با تأکید بفهماند شیطان از دعوت به این گونه اعمال چیزی جز شر برای شما نمی‌خواهد و به وسیله همین شراب و قمار و انصاب و ازلام شما را از ذکر خدا و نماز باز می‌دارد. خداوند در این آیه، دشمنی و کینه را تنها بر اثر شراب و قمار می‌داند؛ چون معلوم است که نوشیدن شراب باعث تحریک سلسله اعصاب شده و عقل را تخدیر و عواطف عصبی را به هیجان درمی‌آورد. چنان که آمار کشورهای غربی و مترقی که نوشیدن مشروبات الکلی در بین‌شان رواج دارد نشان می‌دهد، درشت‌ترین ارقام جنایات و حوادث ناگوار و فسق و فجورهای شرم‌آور و ننگین در اثر نوشیدن این آب آتشین است. (طباطبایی، همان:

(۱۱)

اما اینکه فرض شود این قسمت از آیه به طور جداگانه نازل شده است و پیامبر(ص) طبق صلاح‌دید خود آن را در ادامه بخش نخست آیه قرار داده باشد، به نظر می‌رسد این موضوع درست نباشد؛ زیرا درست است که چینش آیات توقیفی است و بنا به دستور پیامبر(ص)، آیات در سوره‌ها قرار داده شده‌اند، ولی از فردی با

خصوصیات آن حضرت که کار لغو نمی‌کند، بعید است که آیه‌ای را در جایی قرار دهد که هیچ ربطی به آیات قبل و بعد خود ندارد.

۵- عمل پیامبر در مورد دختر و داماد و فرزندان آنان و جمع کردن آنها در زیر کسا: این عمل نشان از «حصر» آنها در «اهل بیت» دارد. چرا که اولاً جمع کردن آنها در زیر کسا دلیل بر «حصر» است چنان که از داخل شدن همسرانش در جمع آنها جلوگیری کرده است. ثانياً، دعای او با جمله اسمیه آغاز شده است، این مطلب دلیل بر «حصر» است. علاوه بر این، حضرت نفرمود «هؤلاء من اهل بیتی» تا آنها را با همسرانش در «اهل بیت» بودن شریک قرار دهد؛ بلکه فرمود: «هؤلاء اهل بیتی»، یعنی فقط اینها «اهل بیت» من هستند نه شخص یا اشخاص دیگر.

۶- حدیث ثقلین:<sup>۱۵</sup> این حدیث دلیل بر آن است که «آل عبا» مصدق واقعی «اهل بیت»‌اند. حضرت رسول (ص) در این حدیث، «عترت» خود را عدل و همسنگ قرآن قرار می‌دهد. همان «عترت»‌ی که آن را با عبارت «اهل بیتی» تفسیر کرده است. معنی عدل و قرین قرآن قرار دادن آنها توسط پیامبر(ص) چیست؟ در این حدیث چه کسانی عدل قرآن قرار داده شده‌اند؟ «اهل بیت» به معنای (پنج تن) یا همسران پیامبر(ص)؟ قرآن کلام خدا و مصون از هر عیبی است پس باید عدل آن نیز معصوم باشد. آیا کسی تا به حال گفته است همسران پیامبر(ص) معصوم‌اند یا آنها «عترت» او هستند؟ اگر کسی بگوید آنها «اهل بیت» او هستند، پس باید بگوید آنها «عترت» او نیز هستند. چرا که «اهل بیت» به معنای «عترت» است. همه می‌دانیم که این عقیده، محال است؛ چون «عترت» در لغت به معنای فرزندان و فرزندان فرزند است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۶۵) در حالی که محال است همسر جزء فرزندان فرد باشد. از طرفی نیز می‌توان گفت این حدیث خود بر «حصر» دلالت می‌کند؛ چرا که حضرت رسول(ص) به عنوان بیان‌کننده قرآن از طرف خداوند، «اهل بیت» مطهر

را از غیر آن جدا می‌کند. علاوه بر این از آیه «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحْرٍ» (قر/۳۴) نیز به دست می‌آید که همسر لوط(ع) جزء «اهل بیت» او نیست چون «آل» در این آیه به معنای «اهل» است و همه می‌دانیم که در هنگام نجات لوط(ع) و فرزندانش، همسر او علی‌رغم اینکه در خانه پیامبر خدا بود، جزء آنها نبود. نیز در آیه ۶۵ سوره حجر، خطاب به لوط(ع) می‌فرماید: «فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ الْلَّيْلِ...» اهل در این آیه نیز به معنای «خاندان» و «آل» است. در آیه «قالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ...» (هود/۴۶) که پسر نوح(ع) با آن حضرت داخل در کشتی نشد و هلاک شد، نوح(ع) از هلاکت او ناراحت می‌شود و به خداوند شکوه می‌کند که او پسر من و از خاندان من است. خداوند به دلیل عمل ناشایست پسر آن حضرت، او را از خاندان نبوت خارج می‌کند. نتیجه اینکه در قرآن کریم هر جا در مورد پیامران، اهل به کار رفته است منظور خاندان نبوت است. از سویی نیز «اهل بیت» پیامبر در بین مسلمانان به «آل رسول» معروفند و این چیزی نیست که قابل انکار باشد. حتی بسیاری از مفسران اهل سنت که قائلند زنان پیامبر(ص) «اهل بیت» اویند، در کلام خود از «آل» پیامبر(ص) به «اهل بیت» تعبیر کرده‌اند؛ در حالی که منظور آنها «آل عبا» بوده است نه همسران آن حضرت.

بنابراین مقدمات می‌توان گفت که غرض اصلی از ورود «إنما» در آیه، انحصار اراده الهی به تطهیر و بردن رجس از «اهل بیت» است و منظور از «اهل بیت»، فقط «آل رسول» (ص) هستند. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: من اراده کردم رجس و بدی را فقط از «آل پیامبر» (ص) ببرم و فقط آنها را از گناهان پاک کنم و شما ای همسران پیامبر! اگر از خدا و پیامبرش اطاعت می‌کردید، شایسته مقام آنها بودید، ولی اکنون که مورد رضایت خدا و رسولش نیستید این مقام شامل شما نمی‌شود. مؤید این امر روایات واردہ در شأن نزول این آیه و عمل پیامبر(ص) و

آیات دیگر می‌باشد. در نتیجه همراهی و همسری پیامبر خدا برای کسی مقام عصمت نمی‌آورد و موجب نجات نمی‌شود؛ بلکه این تقوای الهی و عمل صالح است که ملک سنجش قرار می‌گیرد، چه وابسته به پیامبر خدا باشی چه نباشی. «إنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْقَاصُكُمْ». (۱۳/حجرات)

همچنین خداوند در سوره تحریم<sup>۱۶</sup> آنجا که همسران لوط و نوح(ع) را برای افراد بدکار مثال می‌آورد، به خوبی می‌رساند که حتی اگر تحت تربیت پیامبر خدا هم باشید و خودتان خواهان هدایت و نجات نباشید، سودی به حال شما ندارد و از دوزخیان خواهید بود.

تفسرانی که «إنما» را در این آیه نادیده گرفته‌اند، برای فرار از قبول حقیقت و تأیید عمل اسلاف خود مرتكب اشتباه شده‌اند.

### نتیجه

از آنچه گفته شد می‌توان بر موارد ذیل به عنوان نتیجه بحث تأکید کرد:

- بنا بر اذعان دانشمندان علم بلاغت، واژه «إنما» که در حقیقت برای «حصر» وضع شده است، در خبری به کار می‌رود که مخاطب نسبت به خبر نه جاهل است و نه منکر؛ یا اگر منکر است، انکارش با کمی توضیح برطرف می‌شود.
- آیه ۳۳ احزاب که به آیه «تطهیر» معروف شده است، از آیاتی است که واژه «إنما» در آن آمده است. مفسران در مواجهه با واژه «إنما» و تفسیر این آیه کریمه به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ مفسران شیعه «إنما» را در آیه مورد بحث در معنای حقیقی و برای «حصر» دانسته‌اند. این دیدگاه تفسیری با آنچه فرقین در روایات شأن نزول آورده‌اند هماهنگی دارد. دیدگاه دوم، مربوط به برخی از مفسران اهل سنت است که ضمن اذعان به دلالت «إنما» بر «حصر»، به دو دسته تقسیم



می‌شوند؛ برخی فقط همسران پیامبر(ص) و برخی دیگر افراد مذکور به اتفاق «آل عبا» را مصدق «أهل بيت» دانسته‌اند. گروه سوم، مفسرانی هستند که به طور کلی از موضوع «حصر» در آیه گذشته‌اند و هیچ اشاره‌ای به این موضوع ندارند.

۳- با توجه به سیاق آیه و ضمایر مذکور در آیه و عمل پیامبر(ص) در مورد «أهل کسا» و روایات متواتر شأن نزول این آیه در کنار حدیث تقلین، وجود دو انحصار در آیه (که قبلًا ذکر شد)، به دست می‌آید که «أهل بيت» جز «آل عبا» نیست. پس می‌توان دیدگاه مفسران شیعه را دیدگاهی صائب و دور از تعصبات مذهبی و فرقه‌ای دانست. در مقابل، عدم اشاره به دلالت «إنما» بر حصر در برخی از تفاسیر، خالی از شائبه‌ی گرایش‌های فرقه‌ای نیست.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- طریق مخصوص یعنی طرق چهارگانه‌ای که در کتب بلاغی نام برده‌اند.
- ۲- قصر نیز در لغت و اصطلاح به همین معنا آمده است.
- ۳- عقل توبیش از آنها نیست و عزت تنها برای آن است که عقلش بیشتر باشد.
- ۴- منم بازدارنده و حمایتگر پیمان و ناموس و تنها از دودمان و شرافت‌های آنان من یا مانند من پاسداری می‌کند.

۵- قَالُوا أَتَعْجِبُنَا مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

۶- مثل آیه ۱۰۸ سوره انبیاء «فَلِإِنَّمَا يُوحَى إِلَيَّ إِنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهُلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»

- ۷- مانند آیه ۱۱ بقره «...قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» که «إنما» را برای حصر (رک: ابن حیان اندلسی، ۱۴۲۰؛ ۱۰۰: آیه ۹۳) تویه «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ...» که آن را برای حصر نمی‌داند، (همان: ۴۸۹)
- ۸- مانند آیه ۱۶۹ بقره «إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ» (رک: نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۶)

- ۹- به عنوان مثال ذیل آیه ۱۷۳ بقره «إِنَّمَا حَرَمَ عَلَيْكُمُ الْمِيتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ...» می‌نویسد: «إِنَّمَا كَلْمَهُ أَيِّ است که برای حصر وضع شده است و متضمن نفی و اثبات است، در نتیجه آنچه که ذکر شده را اثبات و غیر آن را نفی می‌کند. (همان: ۲۱۶)
- ۱۰- وَ حَرَمَ مِنْ عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَ هَلْ أَدْلُكُمْ عَلَىٰ أَهْلِيَّتِي يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ.
- ۱۱- إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ إِمْكُنُوا إِنِّي آنْسَتُ نَارًا لَعَلَىٰ آتِيَّكُمْ مِنْهَا قَبْسٌ أَوْ أَجْدُعَلَىٰ التَّارِهَدِي.
- ۱۲- فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ إِمْكُنُوا إِنِّي آنْسَتُ نَارًا لَعَلَىٰ آتِيَّكُمْ مِنْهَا بَخْرٌ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (قصص/ ۲۹).
- ۱۳- ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده‌تان را از آتش جهنمی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است حفظ کنید.

۱۴- برای آشنایی بیشتر با این روایات به تفاسیر روایی شیعه و سنی از جمله الدرالمنتور سیوطی و نورالثقلین حوزی مراجعه کنید.

۱۵- إِنِّي تَارِكٌ فِيْكُمْ ثَقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكُتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضْلُلُوا بَعْدِي أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ وَهُوَ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعَتَرْتَيِ أَهْلُ بَيْتِي لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَىٰ الْحَوْضَ. ( مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۸ )

۱۶- ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَاتَبَا تَحْتَ عَبْدِيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِيْنَ (تحریم/ ۱۰)

## منابع

قرآن کریم.

- ۱- آلوسى، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح‌المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۲- ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی‌تا)، التحریر والتنویر، بی‌جا، بی‌جا: بی‌نا.
- ۳- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.



- ۴- ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۵- ابن‌منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- ۶- اسفراینی، عاصم‌الدین، (۲۰۱۱)، *الاطول فی البلاغة*، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۷- الجرجانی، محمدبن علی، (۲۰۱۱)، *الاشارات و التنبيهات*، بی‌چا، قاهره: دار غریب.
- ۸- الحلبی، حسن، (بی‌تا)، *حاشیة المطول*، بی‌چا، قم: منشورات رضی.
- ۹- الدسوقي، محمدبن احمد بن عرفه، (بی‌تا)، *حاشیة الدسوقي علی شرح العلامة التفتازانی علی المتن التلخیص*، بی‌چا، اصفهان: مکتبة الشفیعی.
- ۱۰- السیالکوتی، عبدالحکیم، (بی‌تا)، *حاشیة السیالکوتی علی المطول*، بی‌چا، قم: منشورات رضی.
- ۱۱- السيد باقر الحسینی، سیدجعفر، (۱۳۸۸)، *اسالیب المعانی فی القرآن*، چاپ دوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- ۱۲- الصعیدی، عبدالالمتعال، (۱۴۲۱)، *بغية الایضاح لتلخیص المفتاح*، چاپ دوم، قاهره: مکتبة الادب.
- ۱۳- المغربی، ابی العباس احمد بن محمد، (۲۰۰۲)، *مواهب الفتاح فی شرح تلخیص المفتاح*، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۱۴- اندلسی، ابوحیان محمدبن یوسف، (۱۴۲۰)، *البحر المحيط فی التفسیر*، بی‌چا، بیروت: دارالفکر.
- ۱۵- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، *انوارالتنزیل و اسرارالتاؤیل*، چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۱۶- تفتازانی، سعدالدین مسعودبن عمر، (۱۴۲۲ق)، *المطول فی شرح تلخیص مفتاح العلوم*، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۱۷- تفتازانی، سعد الدین، (بی‌تا)، *شرح مختصرالمعانی*، بی‌چا، قم: کتاب فروشی کتبی نجفی.
- ۱۸- جرجانی، عبدالقدار، (۱۴۰۴ق)، *دلائل الاعجاز*، بی‌چا، قم: انتشارات ارومیه.

- ١٩- رازی، فخرالدین محمدبن عمر، (١٤٢٣ق)، *مفایع الغیب*، چاپ سوم، بیروت: دارالحیاء التراث العربي.
- ٢٠- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، (١٩٨٩م)، *نهاية الایجاز فى درایة الاعجاز*، چاپ اول، قاهره: المكتب الثقافى للنشر والتوزيع.
- ٢١- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (١٤١٢ق)، *المفردات فى غريب القرآن*، چاپ اول، دمشق و بیروت: دار العلم الدار الشامیة.
- ٢٢- زمخشّری، ابوالقاسم محمودبن عمر، (بی‌تا)، *اساس البلاغة*، بی‌چا، بی‌جا: بی‌نا.
- ٢٣- زمخشّری، ابوالقاسم محمود بن عمر، (١٤٠٧ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، چاپ سوم، بیروت: دارالکتاب العربي.
- ٢٤- سیوطی، جلالالدین، (م/١٤٠٨ق) *معترک الاقران فی اعجاز القرآن*، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ٢٥- سیوطی، جلالالدین، (١٤٠٨ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، بی‌چا، بی‌جا: منشورات رازی- بیدار؛ چاپخانه امیر.
- ٢٦- سیوطی، جلالالدین، (٢٠٠١)، *الاشبه و النظائر فی النحو*، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ٢٧- طباطبائی، سیدمحمدحسین، (١٤١٧ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ٢٨- طباطبائی، سید محمد، (بی‌تا)، *مفایع الاصول*، بی‌چا، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ٢٩- طبرسی، فضل بن حسن، (١٣٧٢ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- ٣٠- طبرسی، ابومنصوراحمدبن علی، (١٤٠٣ق)، *الاحتجاج*، چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی.
- ٣١- طبری، ابو جعفر محمدبن جریر، (١٤١٢ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفة.
- ٣٢- طنطاوی، سید محمود، (بی‌تا)، *التفسیر الوسيط للقرآن الكريم*، بی‌چا، بی‌جا: بی‌نا.
- ٣٣- طوسی، شیخ محمدبن حسن، (بی‌تا)، *التبيان فی تفسیر القرآن*، بی‌چا، بیروت: دارالحیاء التراث العربي.



- ۳۴- عاملی، جعفر مرتضی، (۱۴۱۳ق)، *أهل البيت فی آیه التطهیر*، چاپ اول، بیروت: دارالامیر للثقافة و العلوم.
- ۳۵- عاملی، علی بن حسین، (۱۴۱۳ق)، *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*، چاپ اول، قم: دار القرآن الكريم.
- ۳۶- عباس حسن، (بی‌تا)، *النحو الوافی*، بی‌جا، بی‌جا: بی‌نا.
- ۳۷- عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، *نور التقلین*، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- ۳۸- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، *العين*، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت.
- ۳۹- فضل عباس حسن، (۱۴۰۵ق)، *البلاغة فنونها و افنانها*، چاپ اول، عمان: دارالفرقان.
- ۴۰- فیومی، احمد عبدالتواب، (۱۴۲۶ق)، *من ابواب البلاغة النحوية و البلاغية فی القرآن الكريم*، چاپ اول، قاهره: بی‌نا.
- ۴۱- فیومی، احمدبن محمد، (بی‌تا)، *مصباح المنیر*، چاپ اول، قم: انتشارات هجرت.
- ۴۲- قرطبی، محمدين احمد، (۱۳۴۶ق)، *الجامع لاحکام القرآن*، چاپ اول، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- ۴۳- قزوینی، خطیب، (۱۴۲۰ق)، *الایضاح فی علوم البلاغة*، بی‌جا، قاهره: دارالكتاب المصري.
- ۴۴- مفید، شیخ محمدين محمد، (۱۴۲۴ق)، *تفسیر القرآن المجید*، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۴۵- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۷ش) *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- ۴۶- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۷ش) *آیات ولایت در قرآن*، چاپ چهارم، قم: انتشارات نسل جوان.
- ۴۷- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش) *پیام قرآن*، چاپ دوم، قم: انتشارات نسل جوان.
- ۴۸- نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، (۱۴۱۶ق) *غرایب القرآن و رغائب الفرقان*، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.